

قلعه جمهور

یا در بز

جاگاه باکت خرم دین

کتابخانه - حسین خرمشاهی

- | | |
|--------------------|-------------|
| ۱ شماره مسلسل | |
| ۲ نام کتاب | |
| ۳ نام مؤلف | تاریخ |
| ۴ بهای خریداری شده | ریال |

بلطفه

کام بخششند

قیضیح

هر مان با انتشار مقاله «خرم دینان و قیام با بکش....» که بقلم محقق دانشمند آقای عباس پرویز در شماره ۱ و ۲ مجله بررسی های تاریخی بهجات رسیده بود، خبر کشف قلمه و جایگاه بابک خرمی در آذربایجان، در صفحات روزنامه های فارسی منتشر گردید و چون دبک درج اطلاعاتی در آن زمینه برای مجله مقدور نمی بود، از وفادت فرهنگ و هنر خواهش شد هیأت اکتشاف و حفاری قلمه بابک، مقاله ای حاوی جامعترین اطلاعات در مورد دژ مزبور و چکونگی کشف آن برای درج در شماره بعدی مجله بررسی های تاریخی تنظیم و ارسال داردند.

اینک مقاله حاضر بر اثر همکاری وزارت فرهنگ و هنر بقلم فاضل ارجمند آقای کام بخش فرد «رئیس هیأت بررسی و حفاری اداره کل باستان شناسی در آذربایجان شرقی» که کشف و حفاریهای قلمه بابک خرم دینی ذیر نظر مستقیم و راهنمایی های شخص ایشان صورت گرفته است از نظر خوانندگان میگذرد.

مجله بررسی های تاریخی ضمن سپاسگزاری از وزارت
فرهنگ و هنر از این همکاری و همچنین تشکر از آقای کامبخش فرد
بسیار خشنود است این کشف و تحقیق مهم که مربوط به پرازشترین
و عمیق ترین ادوار تاریخ ایران یعنی دوره نهضت‌های آزادی
خواهی و مبارزات میهن پرستانه ایرانیان علیه خلافاً دست نشاند گان
ایشان است، بدست محققان و دانشمندان ایرانی صورت گرفته است
و امید است کاوش و کشف بقیه آثار تاریخی و گذشته
در خشان ایران هم، چنانکه آرزوی هر ایرانیست،
بدست خود ایرانیان به مرحله عمل درآید.

بررسی های تاریخی

قلعه جمهور یا دژ پد

جایگاه با بلک خرم دینی

موقعیت جغرافیائی

قلعه جمهور^۱ در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و در ارتفاعات غربی شعبه‌ای از رود بزرگ قره‌سو و در سه کیلومتری جنوب غربی گلیبر^۲ واقع است. امروزه گلیبر یکی از بخش‌های معتبر شهرستان اهر است و سابق بر این اهر و گلیبر هر دو از قصبات مشکین^۳ بوده‌اند.

در باب «تومان» مشکین^۴ در نزهت القلوب چنین آمده است:

«در این تومان هفت شهر است: مشکین و خیاو و آناد و اهر و

۱- نام جمهور احتمالاً مأخذ از کوه‌های جمهور بایستی باشد. ارتفاعات شهرستان اهر با استناد فرهنگ جغرافیائی ارشن (جلد ۳ و ۴) بهار از ذیر است:

در قسمت جنوب خاوری این شهرستان کوه‌سبلان بار تناع ۴۳۰۰ متر از بهترین بیلاقات ایل مقان است و در امتداد آن بطرف باختری کوه‌های قوشه داغ و گویچه بیل و آغ داغ و پیر سقایه در جنوب واقع شده و کوه چلا داغ در جنوب باختری و عموماً در فصل تابستان بیلاق ایل حاج علیلو و قره خانلو میباشد و کوه شیور واقع در شمال اهر و کوه بزرگی و هشت سر در شمال شرقی این شهرستان قرار گرفته و کوه‌های جمهور و کامتال اذکوهای معروف منطقه قره داغ میباشد. رویه مرتفه شهرستان اهر منطقه کوهستانی است.

۲- بفتح اول و کسر دوم و قتح چهارم - حدود گلیبر: اذ شمال برو و خانه ارس و بخش خدا آفرین و از جنوب بیخش مرکزی اهر و از خاور به بخش هورانه و رودخانه «در آورد» و از باختر به بخش ورزقان محدود میباشد. (فرهنگ جغرافیائی ارشن ۳ و ۴).

۳- در برخی از نسخ نزهت القلوب: پیشکین

۴- تومان یا تون، تسبه‌ای را گویند که صد پاره ده تابع آن باشد (برهان قاطع - فرنگ نفیسی).

۵- به ضم الف - در نزهت القلوب: انار ص ۹۵ چاپ دکتر دبیر سیاقی

و تکلیفه و کلیپر^۶ «روودخانه مرزی ارس تقریباً از سی کیلو متری شمال کلیپر میگذرد در شانزده کیلومتری جنوب خاوری آن کوهستان هشتاد سرود را بخش جنوبی آن کوهستان خرمایورت واقع است (ر. ک به نقشه جغرافیائی) بنای جمهور مرکب از قلعه و قصری است بر فراز قله کوهستانی بالغ بر ۲۳۰۰ تا ۳۶۰۰ متر بلندتر از سطح دریا. اطراف این قلعه را زهر طرف دره های عمیقی با عرض تا ۶۰۰ متر عمق فرا گرفته است تنها از یکسو باین قله راهی باریک و در اصطلاح «بزرگ» وجود دارد. مسافت راه کلیپر بقلعه با اینکه از ۳ کیلومتر تجاوز نمیکند ولی صعب و دشوار است و بهنگام عبور، از گردنه ها و کتلها و انبوه جنگلها^۷ باستی گذر کرد، و برای هسافر خسته ای که نفس زنان و با رفع فراوان پس از ۳ ساعت کوه پیمایی و با کوفتنگی حاصل از سواری اسب واستر خود را بپایی باروهای استوار این دزمیکشاند و عظمت بنارا با دو چشم می بینند و از فراز آن ستیغ، دره ها و کوه ها و قراء و قصبات را بس حقیر مینگرد، از رنجی که برده پشیمان نمیشود. (شکل ۲)

کیفیت ظاهری بنای جمهور.

قبل از اینکه بدروازه قلعه بر سیم از معتبری عبور میکنیم، (نقشه بنای دز) این معتبر بصورت دالانی است که از سنگهای منظم طبیعی شکل گرفته است. معتبر فقط گنجایش عبور یکنفر را دارد و دو نفر بسختی میتوانند از آن بگذرند. فاصله معتبر تاباروی قلعه در حدود ۲۰۰ متر و مقابله آن قرار داده اند همین نقطه است که صعوبت راه و جلال و ابهت خاص این قلعه رفیع و موقعيت خیره کشیده آن بینندگان را

۶- فرهنگ القلوب ص ۴۹ نسخه دیپر سیاقی- کلیپر مرکز بخش و همچنین دهستان کلیپر از شهرستان اهر (شمال اهر) انتهای جاده شوسه اهر به کلیپر واقع است. مختصات جغرافیائی آن عبارتست: طول ۳۰ درجه و ۷۴ دقیقه هر منطبقه ۶ درجه و ۵ دقیقه و ۳۸ ثانیه اختلاف ساعت با تهران ۱۷ دقیقه و ۳۲ ثانیه. آب از روودخانه کلیپر دور شده چشم- محصول غلات و سر درختی و گرد و نوت- شغل زراعت و گله داری و کسب- صنایع دستی گلیم جاجیم بساغی- راه شوسه- قلعه خرابه بنام جمهور در باختر این قصبه روی تپه واقع شده است (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد سی و چهار).

۷- در منطقه ارسباران فقط دره هسته ای کلیپر- میشه پاره حسن آباد؛ جنگل وجود دارد که فقط برای تهیه ذغال از آن استفاده میکنند و درخت صنعتی وجود ندارد (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد سی و چهار).

دچار حیرت غرور آمیزی مینماید. معبر بدروازه قلعه مینگر دو رو ده تازه وارد و سپاهی وغیره، کوهبانیه ها را که در دو برج طرفین دروازه موضع داشته اند متوجه میکرده است.^۸

جایگاه کوهبانیه ها در بلندی واقع است و بنا براین بهر چیز و هر کس تسلط کامل داشته اند. این برجها یکی مخروطی و دیگری مدور استوانه ای از سنگهای تراشیده با ملاط ساروج استوار شده اند. (شکل ۴)

برای نفوذ بداخل بنای استی حتماً از دروازه پکذریم واز کوهستان راهی برای ورود وجود ندارد. جهازات جنگی کهن از قبیل قلعه کوب، منجنيق، آتش افکن و نظایر آنرا بدینجا راهی نبوده و نه کار گر هیا فتاده است.

هنگامی که بارو را پشت سر میگذاریم برای ورود بقصربازه ای باریک تاحدود یکصد متر ارتفاع از صخره بایستی صعود کنیم. از این گذرگاه فقط یکنفر میتواند پائین یا بالا بروم و زیر این معبر و بر گرداین ستیع، دره ای است با جنگلی تنگ و رفای تا ۱۰۰ متر که بصورت تیغه و دیواره تاقعر دره ادامه دارد. در قرکیه گاههای طبیعی این دیواره ها و در چهار جهت بنا، چهار جایگاه برای دیده بانها بصورت نیمه استوانه ساخته شده اند. اینها مقر کوهبانیه ها و سربازانی است که تا گردن خود استنار کرده و جنبه را تا کیلومترها دورتر از فراز کتلها، دره ها و کوههای هازیر نظر میگرفته اند. پس از صعود، از مدخل دیگری با پلکانهای تقریباً نامنظم عبور می کنیم. ابتدا به بنای قصر که دو طبقه و سه طبقه است بر می خوریم (شکل ۵). طرفین مدخل قصر بوسیله دوستون کاذب مشخص شد، است و پس از آن قالار اصای است که اطراف آنرا هفت اطاق فرا -

- در بررسی های تابستان سال جاری در شهرستان اهر و مشکین شهر؛ بنای دیگری مورد تحقیق اینجانب قرار گرفت. این بنا، قلعه داغ یا قلعه نودوز است دو گردن نودوز بین چاده مشکین شهر- اهر، باستان نزهه القلوب نودوز ماخوذ از، نووز میباشد: بر فراز صیغه دویچ گردن دو برج استوانه ای که بوسیله یک دیواره بیکدیگر ارتباط می باند از سنگهای تراشیده و ملاط ساروج ساخته شده است. در دوره های بعد بروی این بنای سنگی، با خام تاسیساتی بنا شده که باران و برف آفرایا بصورت ویرانه درآورده است. مساغراف این که از اهر به مشکین شهر گذر میکنند این بنارا بر فراز صخره کاملاً مشاهده میکنند.

دو برج مدور و استوانه ای قلعه جمهور قابل مقایسه با این قلعه میباشد.

- ستون کاذب، نیمه ستونی را القاء میکند که بدیوار تکیه داده است.

گرفته است، اتفاقهای باتلاق هر کزی هر بوط می شوند. در جیمه شرقی قصر تاسیسات دیگری مرکب از اتفاقها و آب انبار ها ساخته شده اند. سقف آب انبار ها با اتفاق جنافی و گهواره ای استوار شده اند. (شکل های ۷ و ۶) محوطه داخلی آب انبار ها بوسیله نوعی سیمان و ساروج غیر قابل نفوذ گردیده و بهنگام زمستان از بر فوبار آن پر شده و در تابستان و هنگام مضایق و محاصره ها از آب آنها استفاده می شده است. در جیمه شمال غربی قصر از پلکانهای سرتاسری که اکنون ویران شده و قسمت هایی از آن بیرون از خاک است به بخش رفیع بنا صعود می کنیم که مدخل آنرا ردیف پلکانها بادوستون کاذب مشخص می کنند. در قسمت علیای این ذیمه ستونها محلی برای دیده بانها جایسازی (شکل ۸) شده و محدوده پس از آن که از چند بخش تشکیل شده احتمالاً جایگاه سربازان محافظ بوده که بهمه چیز و همه جا قسلط کامل داشته اند.

از همین جا بوده است که بابل خرمدین قهرمان تاریخی ایران و بیانش بمدت بیست و چند سال عساکر عرب را که بقصد محاصره و سر کوب جنبش او آمده بودند در کوهها و کتلها سر گردان کرده و با شبیخونهای خود آنها را از دم تیغ گذرانده و به هزیمت و ادارشان کرده واستقلال ایران را در قرون دوم و سوم هجری پایه گذاری نموده است. (شکل های ۹ و ۱۰)

ابوعلى بلعمى در ترجمه 『اریخ طبری راجح بمکان بابل مینویسد:

- « مأویگاه او در کوههای ارمنیه و آذربایجان بود ،
- جایهای سخت دشوار ، که سپاه آنجا در نواحی
- رفتن ، که صد پیاده در گذاری بیستادنی ، اگر صد
- هزار سوار بودی بازداشتندی و کوهها و در بند ها
- سخت بود اندريکدیگر شده ، در میان آن کوهها
- حصاری کرده بود که آنرا «بذ» خوانندی واوایمن
- در آنجانشسته بودی ، چون لشکری بیامدی گردید
- آن کوهها فرود آمدندی و بدیشان راه نیافتندی و او
- آنجا همی بود تا روزگار بسیار برآمد چون امن

یافتندی یک شبیخون کردنی و خلقی را هلاک کردی
و سپاه اسلام را هزیمت کردی تا دیگر باره سلطان
بصد جهد دگرباره لشکر گرد کردی و پرستادی
وبدین جملت بیست سال بماند و آن مردمان که در
آن کوهها بودند از دهقانان، همه متابع او بودند
گروهی از تبعیع و گروهی از بیم»

صاحب حبیب السیر درباره بابک و یارانش گوید: «پناه بقلاع و مواضع
حصین بردنده و هر لشکری که مأمون بجنگ او فرستاد منهزم بازآمدند...»
بلحاظ سوق الجیشی موقعیت استقرار بنا بر فراز قله بسته، طوریست که
بیست نفر سپاهی قادر بوده اند یک سپاه صد هزار نفری را از پای در آورند و
تلخاتی هم نداشته باشند. چه تیر و کمان و اسلحه معمول زمان را بسر بازان
و مستحفظانی که بر بلندی موضع هیگر فته اند بجهت بعد مسافت کار گر
نمیافتداده است. بدون اینکه قصد اغراق در بین باشد موقعیت مستحکم قلعه
و قصر موصوف، آنچنان اعجاب انگیز است که از نیو غظامی و بصیرت کامل
بنیان گذار آن حکایت مینماید و جای آن دارد که از طرف متخصصان و کار-
شناسان ارتقش شاهنشاهی ایران بمنظور ضبط و ثبت افتخارات ملی و همچنین
مطالعه در جنگهای قلعه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

بابک خرمدین و سرزمین وی از نظر جغرافیون و مورخان تازی و پارسی
و تطبیق این نظرات با بنای جمهور:

مورخان جایگاه بابک را کوهستان «بد» نام برده اند و بعضی «بدین»
مینویسد:

«بزناحتی است در میان آذربایجان واران که بابک خرمی در زمان
معتصم از آن برخاست»^{۱۰}

احمد گسروی در کتاب شهر یاران گمنام از قول یعقوبی هیگوید: «شهر
بد که سپس بجهت خروج بابک خرمی در آنجا، معروف گردید، در کنار رود

ارس از این سوی نهاده بوده و اکنون جایگاه درست آن پیدا نیست.^{۱۱} کسری اضافه میکند، « از روی تحقیقی که ما کردیم [بذ] در خاک «قرجه‌داغ» کنونی، در شمال و بالا سر شهر اهر یا اندکی مایل بشرق نهاده بوده است.^{۱۲} جائی را که کسری از قول خود و یعقوبی ذکر کرده باهموقعیت فعلی کلیپر تطبیق میکند.

صاحب نزهه القلوب درمورد کلیپر میگوید:

« کلیپر قصبه ایست در میان بیشه افتاده و کوهستان بزرگ و قلعه نیکودارد و در پای آن رودی روان است، هواش معتمد است و آبش از رود مذکور و حاصلش غله و انکوروهیوه باشد و مردمش از ترک و طالش ممزوج اند»^{۱۳} باستناد نزهه القلوب کلیپر بصورت‌های: «کلنبه- کلنبر- کلین- کلینیز- کلبز»^{۱۴} نیز آمده است، کل و کلن و کلان جزو اول این کلمه احتمالاً مأخذ از دهکده‌ایست بنام «کلان»^{۱۵} و یا «کلان و کلان»^{۱۶} در بخش خاوری و باختری کلیپر.

و یاقوت در باب «کلان روز» معنای آنرا رود بزرگ میداند که در آذربایجان نزدیک بذ. شهر باک است و افشنین هنگامیکه با باک می‌جنگید در آنجا فرود آمد (باک خرمی تأثیر سعید نفیسی).

می‌تحمل است که این رود نیز منسوب به قریه کلان باشد که یاقوت آنرا «کلان‌رود» آورده است (منقشه رجوع فرمائید). و این کلان‌رود نزدیک شهر بد بوده است. در باب جنگهای افشنین با باک در کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز تأثیر شاهزاده نادر میرزا چنین آمده است: «... افشنین

۱۱- بخش سوم ص ۲۴

۱۲- همان کتاب و همان صفحه

۹۶ - ص

Calbaz - ۱۴

۱۵ - کلان: دهستان در ۲۱ کیلومتری شمال خاوری کلیپر از قره‌راء گرداده کلیپر است (فرهنگ جغرافیایی ایران)

۱۶ - کلان یا کلان - دهی است از دهستان اوزو-ندل بخش ورزقان اهر (فرهنگ جغرافیایی ایران).

ازینوقمه بعزم کشادن بد از کلان رود با لشکری نامدار بجنبد و با هستگی همیرفت. معتقدم بد نبشه بود که چون شب آید سواران بترقبه برنشان که همواره فوجی سوار و معد باشند که اگر خرمیان شیخون آرند دسته مقاومت ایستند تا سپاه برنشینند، لشکریان از بسیاری رنج بفریاد آمدند و بافشین گفتند که میان ما و دشمن چهار فرسنگ راه است...»^{۱۷}

در وقایع سال سیصد ویست ودو هجری گوید « معتقدم جعفر خیاط را با سپاهی بمدد افشین بفرستاد و ایتاخ را باسی هزار درهم برای نفقات لشکر بفرستاد. ایتاخ بیامد، زر بافشین برسانید و باز گشت چون هوا نرم شد و زمستان بگذشت افشین بکلان رود شد آنجا کنده کرده، بوسعید را نامه کرد که از برزنده بروستای کلان رود آید که تا معسکر افشین سه میل بود. افشین بکلان رود شد و پنجرور بماند...»^{۱۸}

وابن الفقيه در کتاب خود در باب برزنده گوید: « برزنده قریه ای بود و افشین در جنگ با بابک آنجا را لشکرگاه ساخت و دری ساخت و ساختمان کرد ». .

با توجه بگفته نادر میرزا ابن الفقيه بین قریه برزنده و کلان رود فاصله بسیار نزدیکی در حدود (سه میل) وجود داشته است و امروزه قریه «برزنده»^{۱۹} در ۱۹ کیلومتری جنوب کلیبر واقع است و احتمالاً این همان «برزنده» است که ابن الفقيه بدان اشاره کرده است.

شواهد دیگری در این سامان موجود است که نشان میدهد محل شهر «بد» با کلیبر فعلی تطبیق میکند، از جمله این شواهد یکی، وجود کوهستان هشتاد سو در جبهه شرقی کلیبر است.

نظام الملک در سیاستنامه درباب جنگهای محمد بن الطوسي سردار سپاه مأمون خلیفه عباسی یا بابک مینویسد: « محمد بن حمید جمع کثیری

۲۶ - صفحه ۱۷

۲۵ - همان کتاب صفحه ۱۸

۱۹ - برزنده: ۵۰ چهاردهتستان میشه پاره بخش کلیبر شهرستان ۱۴-ر در ۱۹ کیلومتری جنوب کلیبر.

سپاهیان داوطلب از شهرهای دیگر برداشت و از راههای تنگ و گردنهای گذشت و چون از هر کتله می‌گذشت کسانی را از هم‌راهان خود درآجایی پاسبانی هی گماشت تا اینکه بمحل هشتادسر فرود آمد و خندقی کند و برای ورود بسرزمین بابک با کسان خود رأی زد. » ۲۰.

نادر میرزا در تاریخ تبریز در این باب می‌گوید: « . . . بی‌گمان این لشکر کشی محمد بن حمید از جائی است و ناحیتی که اکنون ملکی آباد است و قراچه داغ نامیم، سراسر کوهسار و بیشه‌های انبوه. هم اکنون که این کوهستان سراسر رستاقیق آباد است و بیشتر بیشها برده‌اند و درختها از بیچ و بن کنده واژ هرسو راهها گشاده اند باز مضایق بسیار و راههای ناهموار از جهان راسیات و جنگلهای انبوه بسیار باشد و این هشتاد سر کوهی است سخت‌بناییه «یافت ۲۱» در این مملکت که بومیان بغلط «هشتاد سر» گویند و من این‌ملک راسراسر دیده انتهی رجع چون محمد بن حمید به هشتاد سر رسید که تختگاه بابک بدانجا نزدیک بود با دانایان ملک مشاورت کرد که بدانشهر چگونه حملت افکند او را براحتی دلالت نمودند. » ۲۲.

وطبری در باب جنگهای بوغای کمیر سردار سپاه معتصم بابک مینویسد: « میان بابک و سپاه بوغای کبیر در سرزمین هشتاد سر جنگی در گرفت. » در سطور فوق مذکور افتاد که کوهستان هشتادسر و یا بقول فرنگ جغرافیائی ایران «هشتاد سر» در شانزده کیلو متری جنوب خاوری کلیبر واقع است و همچنین شواهد دیگری از قول نویسنده‌گان متقدم و اوضاع جغرافیائی و طبیعی آن سامان نشان میدهد که محل شهر «بذ» با «کلیبر» فعلی کاملات‌طبیق مینماید.

آثار و بقایای دوران اسلامی و شواهد عینی

بمنظور عمران و آبادی در حال حاضر محله‌های قدیمی کلیبر رازی و رو

۲۰- مادر سیاستنامه چنین مطلبی نیافتنیم و ظاهر آقای کامبیش در ضبط‌نام مدرک خود اشتباه کرده‌اند (بررسی‌های تاریخی)

۲۱- یافت در بخش خاوری کلیبر واقع است.

۲۲- ص ۱۹ تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز

میکنند. از گوشه و کنار صدای انفجار باروت که سنگها را میترکاند بگوش همیرسد. در پای تپه های کناره رود کلیپر که شعبه ایست از فره سو با غات سرسبزی گسترده شده است. بر فراز این تپه های بلند هنوز بقایای ابنیه ویران قدیمی وجود دارد. برای تعریض جاده ها و تبدیل کویهای قدیمی، گردیدرها غرش کنان از این سوی با نسیم در کنندو کاو هستند.

در پای یکی از این تپه ها که تکیه بر کوه دارد برشی بمنظور احداث کارخانه برق زده شده و سه طبقه قبور دوران اسلامی را بر رویهم در یک عمق شش متری نشان میدهد استقرار و تراکم قبور اسلامی بر رویهم ذمایش یکدوران طولانی زندگی وحیات ازاوایل اسلام تا قرن هفتم هجری در این منطقه میباشد. سنگ مزارات منقوشی از گل و گیاه و نوشه های کوفی و نقوش آلات وابزار حرب از قبیل تیرو کمان و اسب و سوار کار اینجا و آنجا، در پای چشمه، پل، پله دکان و آستانه مسجد پراکنده است و این سنگ مزارات بیشتر هر بروط بقرون دوم و سوم هجری است که از این ناحیه تاده کده صاحب دیوان و بنوشه و قول صاحب نزهه القلوب «uman» «بهلقان» و «بیلقان»^{۲۳} در کنار قره سو در حوزه مشگین غربی بخش و پلاست. بر سنگ یکی از مزارات ناحیه اخیر عبارت «هذا مرقد المرحوم امیر احمد بن محمد بن تاریخ ثلث سبعین ماهه»^{۲۴} رقم، خورده است. این آثار پراکنده موجود، گواه صادقی است که روزگاری تلاطم و جنبش در این ناحیه در جریان بوده است.

نسب و مذهب بابک و خرم دینان.

مؤلف *مجمل التواریخ والقصص*، اصل بابک را از مزدک بن بامداد آن مؤبد مؤبدان قباد میداند. طبری نیز اورا از تیره مزدک میداند. صاحب الفهرست از قول و اقد بن عمر و تمیمی گوید:

«پدر بابک از مردم مدارین است و کارش روغن فروشی بوده و بمرز آذربایجان

۲۳- (بررسی های تاریخی)

۲۴- آنای غلامحسین ساعدی مؤلف «خیاویا مشگین شهر» آنرا خوانده است

آمد و درده کدنه بلال آباد از بلوک میمدد^{۲۰} اقامت نمود، و کوزه روغن را به دوش میکشید، در آن دهستان دوره گردی میکرد... و اقد کوید، در کوهستان بد دو مرد قوی زبردستی بودند که کسی با آنها راه نمیافتد، و مان و هنال فراوانی داشته و با یکدیگر درسر ریاست و تسلط بر خرمیان ساکن آن کوهستان، در جنگ وستیز بودند، یکی نامش جاویدان پسر شهرک و دیگری بکنیه‌اش، ابو عمران، معروف بود. این دونفر تا بستانهارا بجنگ و جدال باهم میگذرانند و زمستان‌ها ریزش برف و بسته شدن گردنه‌هایمانع از برخور آنها بود. جاویدان که استاد بابک است بادوهزار گوسفند از جایگاه خود درآمده و بزنجان از شهرهای مرزی قزوین رفت و گوسفندان خود را فروخته و در مراجعت بکوهستان بد، در بلوک میمدد دچار برف و بوران شده و چون شب هم در رسیده بود راه خود را کج کرده ببلال آباد رفت و از دهبان آنجا منزلی درخواست نمود. دهبان برای تحقیر جاویدان، ویرا بخانه مادر بابک که تهی دست و فقیر بود جای داد و آن زن جز آتشی که برایشان روشن نمود، چیز دیگری نتوانست فراهم‌سازد. و بابک نیز بخدمت غلامان و چارپایان برخاسته و آنها را آب داده و جاویدان اور اروانه داشت تا خوراکی و آشامیدنی برایشان و علف برای چارپایان خریداری نماید و در گفتگوئی که با او نمود دریافت که هر چند حال و روزگاری تباہ وزبانش در فارسی پیچیدگی دارد، باز بسیار زیرک وباشهامت است.

پس رو بمادرش کرده و گفت من از تو امکران کوهستان بد هستم و مان و هنال فراوان دارم و باین پسرت نیازمندم، اورا بمن بگذار تاباخود ببرم و و هر ماه پنجاه درهم مواجب اورا برای تو میفرستم و مادر بابک رضایت داد «در مراجعت به بد جاویدان و ابو عمران طی جنگی با یکدیگر کشته شدند وزن جاویدان پیروانش را آواز داد که جاویدان وصیت کرده که روح او بکالبد بابک حلول کرده است و همگان فرمان اورا گردن نهادند».

۲۰ - میمدد، نام کوه و شهری در آذربایجان است (معجم البلدان) و ناحیه ایست شهره و آبادان و بسیار نعمت و مردم . اهر قصبه میمددست و پادشاهی پسر دواد است (ص ۱۶۰ حدود العالم نسخه دکترستوده)

در باب مذهب بابک و خرم دینان سعید نفیسی در کتاب بابک خرمی میگوید «خرم دین نام عامیست برای پیروان دین تازه‌ای که در قرن دوم هجری در ایران آشکار شده و شاید بازماند گان مزدگیان زمان ساسانیان را در دوره‌های اسلامی بدین نام خوانده باشند که از روزگار ساسانیان در نواحی دور افتاده ایران و در کوهستانهای مرکز و غرب و شمال غربی ایران پنهانی هیزیسته‌اند و در این زمان دین خود را آشکار کرده و شاید اصلاحاتی در روش مزدگ کرده باشند و شاید این کلمه تقليدی باشد از ترکیب «به دین» که در باره دین زردشت میگفته‌اند. »^{۲۶}

کاوش در دز بند.

تدارک کاوش هیئت ما بمنظور کشف آثاری از قرون دوم و سوم هجری از این بنا، در اواسط مرداد ماه با استقرار دو چادر و سکونت ده نفر کارگر حفاری در قله بند آغاز گردید. جائیکه هوایش همچون اوائل زمستان و متغیر است وجود قلل و کوهستانهای رفیع شده‌ایست برای گرفتاری مهی غلیظ و آبدار که از اوس و خزو برخاسته‌اند. و بهنگامی که مه آشکار شود بنناچار بایستی آتشی افروخت و در جوار آن گرم شد. کاوش در اطاقهای A و B و C و D که بتالار مرکزی قصر مربوط میشوند انجام گردید. در اطاق C پلکانی از زیر خاک بیرون آمد که بتالار اصلی قصر کشیده شده است. در اطاق D سکوئی در وسط اطاق تعییه گردید و پلکانی بطور اریب بسانن مرکزی کشیده شده است. (ر. ل. به نقشه بنای دز)

در این محل تکه‌های از آلات و ابزار حرب آهنی که مرور دهور آنها را پوشانده بدمست آمدند. سفالینه‌های منقوش و لعاب‌خورده از دل خاکها بیرون آمد که یکندوره استقرار را تا اوائل قرن هفتم هجری نمایش میدهند.

تعدادی سکه‌های مسی کشف شدند که پاره‌ای از آنها بعلت سائیدگی و زنگ فراوان غیرقابل خواندن است و درین این سکه‌ها بعضی مربوط به

۲۶ - ما خوانند گان را در این مورد بمقابلة متع آقای عباس پرویز در شماره ۱ و ۲ همین مجله، حوالت میدهیم (بررسی‌های تاریخی)

اتاپکان آذر با یجان و هزار اسپیان^{۲۷} (قرن ششم و هفتم هجری) میباشد. بررسی و تحقیق در کیفیت ساختمان نشان داد که بخش‌های فوقانی بنا بکبار دستخوش ویرانی شده و تعمیر و ساختمان مجدد آن در قرون چهارم و پنجم هجری انجام گردیده است. ساکنان این قرون برای اولین بار در کف بندی اطاقها آجر بکار برده‌اند، چه در بنای اصلی جز سنگ مصالح دیگری بکار نرفته است است و علاوه بر کف در تعمیر و مرمت بنا از آجر استفاده شده است. ولی ساختمان قدیمی آنقدر استوار است و آنچنان ملاط سختی سنگها را به یکدیگر پیوند داده است که اگر قرار ارباشد خرابی حادث شود یک دیوار از پایه می‌افتد و بندرتا اجزاء آن از یکدیگر جدا شده‌اند. بهمین جهت آجرهایی که در این قرون بکار برده شده قلیل و اندک است. قسمتهای ده‌میر شده و دوباره ساز بعلت خیز و افت کامل‌خود را نشان میدهد.

بدیهی است ساکنان جدید که از کلیه قسمتهای این بنا استفاده کرده‌اند بروی آثار قبلی مستقر شده و درنتیجه بیشتر مدارک سلف‌خود را از بین برده‌اند. بلحوظ کشف مدارکی از قرون دوم و سوم هجری، دردو اطاق و A دو قسمتی از کف آجری برداشته شد و در زیر آن به تنورهای متعددی برخورد شد با احداث گمانه‌های آزمایشی در اطاق‌های دیگر همین نوع تنورها در زیر کف آجری آشکار شدند و مسلم گردید بازهم تعداد دیگری از این نوع تنورها در تأسیسات دیگر وجود داشته و بدیهی است در محاصره‌ها و مضایق این کوره‌ها همواره کرم بوده‌اند. در جوار دو تنور در اطاق D سفالینه‌های بسیار زیبائی که بظروف لک دار نوع نیشابور معروف میباشند برخورد گردیده این نوع سفالینه‌ها که بشقابها و کاسه‌هایی را القاء میکنند در کناره های لبه سوراخهایی دارند که سر بازان باریسمنانی بترک‌اسب خود می‌بسته‌اند. با کشف این نوع سفالینه‌ها و همچنین مقدار دیگری که مربوط بقرن سوم هجری است و همچنین شواهدی که از نظر جغرافیائی و محل واقوال نویسندگان و مورخان تازی و پارسی در دست است هیئت‌ما بمقصود نائل آمد و مسلم گردید که

بنای موصوف «دز بند» یکی از جایگاه‌های اصلی با بک خرم دین قهرمان ملی و دلاور آذربایجان است که در ۲۰۱ هجری بر علیه سلطه خلفای عباسی قیام و جنبش دامنه‌داری را هدایت کرد و بارها سپاه عظیم خلفای عرب را بشکست و هزیمت واداشت تا بالآخره عباسیان با ایجاد نفاق بین او و افشین سردار و قهرمان دیگر ایران با خدوعه و نیرنگ و خیانتی عظیم بر او دست یافتند و در ۲۲۳ هجری بوسیله یارانش اورا دستگیر و در بغداد ابتدا بقطع دست و پایش پرداخته و سپس اورا بطرز موحشی کشتنند. معروف است بهنگامی که یکی از دسته‌ایش را قطع کردند با بقایای دست بریده خون بچهره اش می‌مالید و در پاسخ معتصم که علت را جویا شده بود گفت: چهره خود را بخون می‌آلایم تا پریدگی وزردی رویم را حمل بروحت و ترس نکنند.

بايان